

مفتی

KITAB I AWALAMINI

QUR'AN I KURDI

دفتري



awalamini  
ni dafte

BAGHDAD:  
THE SUPERINTENDENT'S GOVERNMENT PRESS  
1920



# KITAB I AWALAMIN I QIRAAT I KURDI

---

NUSRAWA' BE WASTA I  
MUHAMMED ZAKI EFFENDI  
WA  
MIRZA MUHAMMED BASHKA  
MUALLIMAN I MAKTAB I HUKUMAT I  
SULAIMANIYA

---

TARTIB KRAWA BE WASTA I  
MAJOR E. B. SOANE WA CAPTAIN W. J. FARRELL

NASHIR KRAWATAWA BE WASTA I

DAIRA I MAARIF I BAGHDAD

**1336-1920**

---

BAGHDAD:  
PRINTED BY THE SUPERINTENDENT GOVERNMENT PRESS  
1920

اشكال حروف		اسماء حروف		
کوچک و بزرگ حروف کوچک حروف بزرگ		کوردجه دو کردی	عربیجه در عربی	ترکی در ترکی
A	a	A	آ	آ
B	b	BE	بی	به
C	c	CE	سی	ته
D	d	DE	دی	ده
E	e	E	ای	ا
F	f	FE	فی	ف
G	g	GE	گی	گ
H	h	HE	هی	ه



کوردجانی لاتین حروف قایله یازمق اصولی  
قواعد برای نوشتن زبان کردی بحروف زبان لاتینی

الفاظ و حروفی که در آنها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود .	حرفك لفظ حقیقی کوسترین مثالر :
<p>در زیر بیان شده است . مانند حرف « ب » . . . این حرف چنانکه در جدول حرفهای - گفت بیان شده است اگر با حرف H منممل شود مثل حرف « چ » تلفظ شود . مانند حرف « د » .</p>	<p>زیرده بیان ایدلشدن . « ب » حرف کی در . اشبو حرف چقه حرفلر جدولده بیان اوئندینی وجهله H حرفی ایله برابر قوللایلورسه « چ » کی تلفظ اولنور . « د » حرف کی در .</p>
<p>این حرف مانند حرکت ( زیر ) که در کلمات BIZNEKI و «PENJERA» کردی بمعنای « يك بزنه » و « پنجره » تلفظ شود . مانند حرف « ف » . مانند حرف ( کت ) که در کلمه « GIA » کردی که بمعنای « کلاه » است .</p>	<p>اشبو حرف « برکی » و « پنجره » معنالرنده اولان « BIZNEKI » و «PENJERA» کله لرنده کی ( اوستون ) کی تلفظ اولنور . « ف » حرف کی در . « GIA » یعنی « اوت » کله . سند کی « گ » حرف کی در .</p>
<p>مانند حرف « ه » که در کلمه « HAT » کردی که بمعنای « آئمه » است .</p>	<p>« HAT » یعنی « کلاه » کله - نده کی « ه » حرف کی در .</p>

اشكال حروف		اسماء حروف		
بيوك نوع	كوچك نوع	كوردجه	عربجه	ترجه
حروف بيوك	حروف كوچك	دركردى	درعربى	درتركى
I	i	I	اى	اى
J	j	JE	جى	جه
K	k	KE	كى	كه
L	l	LE	لى	له
M	m	EM	مى	ام
N	n	NE	نى	نه
O	o	O	[پر قدر تست]	او



کوردجه بی لاتین حروفاتیله یازمق اصولی  
قواعد برای نوشتن زبان کردی بحروف زبان لاتینی

حرفك لفظ حقیقیسنی کو مستریر مثالر .	الفاظ و حروفی که در آنها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود .
'REWI یعنی «تلسکی»، و 'KILK یعنی «قویروق»، کلمه لرنده کی «ی» حرفی کبی در .	مانند حرکه «زیر» که در کلمهای کردی 'REWI و 'KILK ، بمعنای «روباه» و «کاک» است .
'INJA یعنی «اوندن صوکر» ، کلمه سنده کی «ج» حرفی کبی در .	مانند حرف «ج» که در کلمه کردی 'INJA ، که معنی آن به فارسی «بعد از آن» است .
'KANI یعنی «چشمه»، کلمه سنده کی «ك» حرفی کبی در .	مانند حرف «ك» که در کلمه کردی 'KANI ، بمعنای «چشمه» آب ، است .
'LAMPA یعنی «فانوس»، کلمه سنده کی «ل» حرفی کبی در . «م» حرفی کبی در .	مانند حرف «ل» که در کلمه کردی 'LAMPA ، بمعنای چراغ است . مانند حرف «م»
«ن» حرفی کبی در . بو حرف ترکیبده «او قومق» کلمه سنده کی «او» کی تلفظ اول نور	مانند حرف «ن» تلفظ این حرف مثل حرف (او) که در کلمه ترکی «او قومق» ظاهر شود .

اشكال حروف		اسماء حروف		
كوردجه	كوچك نوع	كوردجه	عربجه	ترجكه
در كردى	حروف كوچك	در كردى	در عربى	در تركى
P	p	PE	[ پوتدر پست ]	په
Q	q	QA	قا	قا
R	r	RE	رې	ره
S	s	ES	أس	أس
T	t	TE	تې	ته
U	u	U	او	او
W	w	WA	وا	وا
Y	y	YE	يې	به
Z	z	ZE	زې	زه



کوردجه بی لاتین حروفاتیله یازمق اصولی  
قواعد برای نوشتن زبان کردی بحروف زبان لاتینی

<p>حرفك لفظ حقیقیسی کوستریر مثالار .</p>	<p>الفاظ و حروفی که در آنها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود .</p>
<p>« پ » حرفی کبی در . QULA یعنی « اوافق » کلمه سنده کی « ق » حرفی کبی در . REWİ یعنی « تلکی » کلمه سنده کی « ر » حرفی کبی .</p>	<p>مانند حرف « ب » . مانند حرف « ق » در کلمه QULA کردی که بمعنای « کوچك » است . مانند حرف « ر » در کلمه REWİ کردی که بفارسی معنی آن « روباه » است .</p>
<p>« س » حرفی کبی در . « ت » حرفی کبی در . بو حرف ترکیه ده « اوزون » کلمه سنده کی « او » کبی تلفظ اولنور . REWİ یعنی « تلکی » کلمه سنده کی ( و ) کبی تلفظ اولنور .</p>	<p>مانند حرف « س » . مانند حرف « ت » . این حرف مانند حرف ( او ) که در کلمه ( اورا ) تلفظ میشود . مانند لفظ ( و ) که در کلمه REWİ کردی است بمعنای « روباه » است .</p>
<p>YER یعنی « بر » کلمه سنده کی ( ی ) حرفی کبی تلفظ اولنور . « ز » حرفی کبی در .</p>	<p>تلفظ این حرف مانند حرف ( ی ) که در کلمه YER است مانند حرف « ز » .</p>



اشكال حروف		اسماء حروف	
ترکجه	عربیجه	کوردجه	کۆچک نوع
در ترکی	در عربی	در کردی	حروف کۆچک حروف بزرگ
چه	[ یوقدر نیست ]	CHE	ch
[ یوقدر نیست ]	ذی	DHE	dh
غا	غَا	GHA	gh
خا	خَا	KHA	kh
شه	شَا	SHE	sh
[ یوقدر نیست ]	تی	THE	th



جفته حروف  
حروف جفت

حروفك لفظ حقیقی کو ستر مثال .	الفاظ و حروفی که در آنها لفظ حقیقی حروف ظاهر شود .
<p>ب و حرف ترکیده کی « چ » کی تلفظ اول نور کردجه ده BICHO یعنی « کیت » کلمه سنده کی « چ » بوکا مثالدر :</p>	<p>تلفظ این حرف مانند تلفظ حرف ( چ ) در کلمه BICHO که در کردی بمعنی ( برو ) میباشد .</p>
<p>صربجه ده کی « ذ » حرفی کی در . مثلا کوردجه AGADHARI یعنی « احتیاط » کلمه سنده کی « ذ » کی در . سلیمانیه ده قوللا نماز . « ع » حرفی کی در . مثلا AGHA یعنی « اقا » کلمه سنده کی « ع » کی تلفظ اول نور .</p>	<p>مانند حرف « ذ » در زبان عربی و مانند حرف « ذ » که در کلمه کردی AGADHARI این حرفی در زبان سلیمانیه مستعمل نیست . مانند حرف « غ » در کلمه « غالب » .</p>
<p>KHWAI یعنی « کندبسی » کلمه سنده کی « خ » حرفی کی در . « ش » حرفی کی در . صربجه ده کی « ث » کی در . اساساً کوردجه اولان کلمه لرده ب و حرف تصادف اول نماز . سلیمانیه ده قوللا نماز .</p>	<p>مانند حرف « خ » که در کلمه KHWAI کردی بمعنی « خودش » است مانند حرف « ش » . مانند « ث » در زبان عربی . ولی این لفظ در زبان کردی موجود نیست .</p>



اشكال حروف			اسماء حروف	
ترک	عربی	کورد	کوچک	بزرگ
در ترکی	دعری	در کردی	حروف کوچک	حروف بزرگ
ژ	(ژ)	ZHE	zh	ZH

اخطار : بزرگ حروفات بر حسب ویدبارەنک ویاخود مەکت ،  
 شهر ویا شخص اسمک ایستاسنە یازیلور . بوندن مەما هر یزده  
 کوچک حروفات استعمال اولور. و ۱۲ حرفی ارەسنەکی  
 فرقە ایچە دقت اتمک احباب ایدر .

1 2 3 4 5 6 7 8 9 0



## جفت حرف‌ها حروف جفت

الفاء و حروفی که در آنم لفظ حقیقی  
حروفی که لفظ حقیقی نیستی و سحر  
حروف ظاهر شود | متالفر .

مانند حرف «ز» در کلمه کردی  
مانند حرف «ز» در کلمه «ز» که معنی (بیرون)  
است .  
«ز» حرفی که در «ز» است  
اختیار  
قدیم، که سده کی «ز» و کامنادر .

ملاحظه : حروفات بزرگ در اول جمله و عبارها و یاد در اول و های  
شهر و اشخاص رشته میشود . ولی در جاهای دیگر حروفات کوچک  
مستعمل است . تفاوتی که بین حرف و هست بسیار دقت  
کردن لازم است .

صورت تلفظیہ نظر آ حروف ت ایکی اسمی قسمہ یربور ، و فسمہ  
کور دجه ۱۱۱۱ [دانت] و ۱۱۱۱ [هسان] تسمیہ ایدیلور.

### ۱۱۱۱ [هسان] یعنی صدای حرف

صدای حروف تسمیہ اولور کن نفس کو کسدن چیقجه دوداقر، دیل  
ووغار حرکتیہ قایلر . . . حرفری (هسان) دزیر .

### ۱۱۱۱ [دانت] یعنی صدای حرف

صدای حرف تسمیہ ایدیلر کن دیل ، بوغاز و دوداقر حرکتیہ اولورلر .  
بالاده کی بش هسان حرفدن ماعدادیکر حروف تسمیہ (دانت) دزیر .

حرفلرک یاروسنده استعمال اولان و حرفره بشقه برقیعت ویرن  
اشارتلی : -

۱ - ۱۱۱۱ [دانت راق] یعنی قوتلی صدای حرف .  
حرفلری کئی نرم [ حروف تسمیہ ]  
برقطه یازیلدینی حاده و حروف تسمیہ راق [ اولوب دها  
شدتلی برصورنده تلفظ ایدیلورلر . زبرده کی حدود بونوع  
حروف تسمیہ ایدر :



از جهت تلفظ حرفها بدو قسم سنی منقسم شوند . و این دو قسم را در کردی  $DAŋŋ$  [دانت] و  $HAŋŋŋŋ$  [هناسان] نام میدهند.

### حرفهای $HAŋŋŋŋ$ [هناسان] یعنی «صدا و یا صائت»

این حرفهای با صدا در وقت تلفظ چون ارسینه در می آیند زبانی و کلو ولها بی حرکت میمانند  $HAŋŋŋŋ$  این حرفها را (هناسان) میگویند.

### حرفهای $DAŋŋ$ [دانت] یعنی بی صدا و یا صامت

این حرفهای بی صدا چون تلفظ میشوند زبان و کلو ولها در حرکت می آیند . غیر از این پنج حرف هیناسان که در بالا ذکر شده است همه حرفها را (دانت) میگویند .

اشارتهائی که در نوشتن مستعمل میشوند و بحروف قیمت دیگر و لفظ دیگر میدهند اینست :-

۱ -  $DANGI RAŋŋ$  [دانت راق] یعنی حرفهای با قوت و بی صدا .

اگر يك نقطه در زیر این حرفهای نرم  $RAŋŋ$  [نارم]

گذاشته شود لفظ آنها شدیدتر و راق  $RAŋŋ$  شود . این

جدول که در زیر ترتیب شده است این حرفها را بیان کند :

اسم حروف		شکل حروف
ترجہ	دو عربی	توردجہ توچک نوع بیوک نوع
در ترکی	عربی	در کردی حروف کوچک حروف بزرگ

ح | ح | HA | h | H

لا | لا | LA | l | L

را | را | RA | r | R

سم کرد

۲] ... هیناسان [ یعنی صدالی حروقات اوسته وضع اولان ایکی درلو علامت :-

(۱) ۱. ۲. ۳. ۴. حروف فریدن بری اوسته افقی رجیژی  
پریلورسه مذکور حراتکدها اوزون بر نفس ایله تلفظی ایجاب ایدر.

(۲) ۱. ۲. ۳. حروف فری اوسته ایکی نقطه یازلدینی حالد  
حرفی ترجه ، اولوم ، و ، اوکود ، کله زنده کی (او) کی  
و ، حرفی و کون ، کله سنده کی (و) کی تلفظ اولور .



الفاظ و حروفی که در آنها لفظ  
حقیقی حرف ظاهر شود .

حرفك لفظ حقیقیست کوسر  
امثله

مانند حرف « ح » ،	« ح » حرفی کبی در .
« ل » درشت که در کلمه 'KLAW	'KLAW . یعنی « کلاه »
یعنی « کلاه » برین مثال شود .	کلاه سنده تلفظ ایدیلان « ل » ، مفخمه کبدر .
مانند « ر » درشت که در کلمه	'MAR . یعنی « قویون » کله .
'MAR کردی که بمعنای « کسند »	سند کی « ر » ، مفخمه کبی تلفظ ایدیلور .
است تلفظ میشود .	

۲ - . در نوشتن بالای حرفهای [ هینا-ان ] یعنی حرفهای باصدا  
دو نوع اشارت وضع میشود : -

( ۱ ) اگر بیالای یکی از حرفها A, E, I, U اشارت (مد)  
باشد این حرف را بنفسی دراز تلفظ باید کرد .

( ۲ ) بیالای این حرفها « ۱ » چون دو نقطه نوشته شود  
حرف « ۱ » چون حرف ( او ) که در کلمه « اولوم » و « اوکور » ،  
ترکی و حرف « ۲ » چون حرف ( و ) که در کلمه « کون » ، ترکی  
تلفظ میشود .

# CHIFT-I-HANASAN.

## چیفته هانسان حروفات

قعدہ عمومیہ اولہرق هانسان حروفات بربری ارقہ صدہ  
 یاز بلیرسہ هر هانسان داشلی باشنه تلفظ ایدیور. لیکن بعضاً چیفته هانسان  
 حروفات سرعتله اولورسه هر ایکی حرفك صداسی مشترک صدای کی  
 چبقار. مثلا ۱۱ کی چیفته هانسان حرفلر عمومیته اولوستویلی  
 ( ی ) کی و ۱۱ چیفته حرفلری ینه عمومیته آیریلماق کله سنده کی  
 ( ی ) عباس کی تلفظ اولتورلر .



## CHIFT-I-HANASAN.

## حرفهای چفت هناسان

قاعدهٔ عمومیست که اگر حرفهای [ هناسان ] یکی بعد از دیگر نوشته شوند هر حرف هناسان مستقل بذات خود تلفظ میشود . مگر بعضی وقت که حرفهای چفت هناسان بزودی تالف شده باشند آن وقت صدای هر دو حرف چون صدای يك حرف بدون اید . مثال این چون

۱۱ این حرفهای چفت هناسان در هر جای مانند حرف ( ی ) بار و ر و ن

۱۲ حرفهای چفته هم مانند حرف ( آی ) که در کلمهٔ تری و آریتی ، تالف میشوند .





USUL I TAALIM BO MUALLIMAN.

Hast das Gewand viki be dā com tesu kiwa  
Qsu, rawal be lūm i gawā, māl i wa qsu, dām be lūm  
i pehōk nusrāwa.

Muhtawid : cam i da'irah wado kalimāt i qasid rawd i qasid  
 na'at dhu'ā i da'irah wado muhtawid khalasun wafat i qasid  
 kalimakān i be huruf i gawrā bibin.

Lap p̄ hwa : d̄at d̄e k̄a b̄k̄t̄m t̄ar bawt t̄am̄t̄ok̄ t̄a  
m̄ : d̄am̄ m̄ r̄āw̄ : w̄a b̄z̄w̄ : t̄a k̄am̄ k̄am̄ l̄oh̄m̄ w̄a b̄  
q̄ad̄ t̄a t̄sin̄ d̄ast̄ l̄om̄ : t̄a t̄a w̄ak̄ t̄on̄ t̄ q̄aw̄ t̄ b̄

Le pôle  $h$  du barycentre  $n$  est donc l'abscisse du point  $h$  sur la droite  $on$ , et l'on a

**DARS 1.**

*Kart 1.* GA. KA. RAN.  
 DAN. DAR. MAR. SHAR.  
 ASH. MASH. MAST. BAKH.  
 SHAKH. AW.

*Kart 2.* Ran, dan, dar, mar,  
 shar, ash, mash, mast, bakh,  
 shakh, aw, malos, masi, asik,  
 gamesh, main, awena, asin.

**DARS 2.**

*Kart 1.* AW. ART. AL.  
 AI.



*Kart 2.* Aw, art, al, ai, gala,  
mala, qazai, penjera, bamia,  
bainjan, dazga, marakab.

### DARS 3.

*Kart 1.* PE. SE. ME. NER.  
SHER. TER. KHER. YEK.  
KEW. LEW. MEW. SEW.

*Kart 2.* Pe, se, me, ner, sher,  
ter, kher, yek, kew, lew, mew,  
sew, harme, <sup>1</sup>es<sup>1</sup>er, ewa, cma,  
shewa, rega, jega, gelas, helka,  
yekane.

**DARS 4.**

*Kart 1.*    BI.    BIR.    SHIN.

ZI IIN.    MIL.    ZIL.    SI IIL.

KICI I.    DIZ.    MIN.    SIK.

PISHT.

*Kart 2.*    Bi,    bir,    shin,    /hin,

mil,    zil,    shil,    kich,    diz,    min,

sik.    pisht,    chini,    zinjir,    henjir,

diza,    derzi,    piyala.



**DARS 5.**

*Kart 1.* MOM. RON. KON.  
 BRO. DO. NOK. MOR.  
 GOSHT.

*Kart 2.* Mom, ron, kon, bro,  
 do, nok, mor, gosht, limo, do-  
 shek, doshaw, koter, goza, trozi,  
 cholaka, rozh-ek.

**DARS 6.**

*Kart 1.* RU. DU. MU.  
 FU. TU. DUR. TUR. PUR.  
 SUR. ZILR. RUT.

*Kart 2.* Ru, du, mu, fu, tu,  
dur, tur, pur, sur, zhur, rut,  
estur, rumet. tula, tatin, suzhin.

### DARS 7.

*Kart 1.* DUR. KUR. QUR.  
KUN. TUN. KUL. GUL.  
KURT. QURS. KHEM.

*Kart 2.* Dur, kur, qur, kun,  
tun, kui, gul, kurt. qurs, khum.

### DARS 8.

ALAI. KHIWAI. GIAI. AI.  
LAI. BIKHWAIN. ATDAINE.  
SUBIAINE. ROISIT.



**DARS 9.**

1. Nuri kitab-ek-i haya.
2. I lamu waqte tamasha-i daka wa  
dars akhwene.
3. Ahmad roisht bo mal-awa.

**DARS 10.**

1. Wara nan bikhwain.
2. Chum bo aw dukan-a, hasht  
top chit-im kiri.
3. Chwar mindal haraian kird.
4. Insan du gochka-i haya.
5. Se harme-m khward.

6. Du kur-im ·haya.

7. Subhaine sar-im atashim.

8. Done chum bo hamam.

9. Aw-im khwardawa.

### **DARS 11.**

1. Har-me-m khward raq bu.

2. Danisha, bnusa. Dananishim.

3. Chi dawwe ? Qalam-ek-i farangi-m  
dawwe.

4. Chi pe danusi ? Khati inglizi pe  
danusim.

5. Chand kiteb-it haya? Hawt kiteb-im haya.

6. Naw-it chi-a?

7. Chi ala-it? Hich nala-im.

### DARS 12.

1. Chi waqt achi bo malawa?

2. Tu kur-i kai?

3. La maktab afarin-it war girtuwa,  
yan na? Yeshta warim na  
girtuwa.

4. Bayanian zu shir u cha akhwamawa.

5. La pashda jil labaraka-m.

6. Hamu rozh waha bika.



## DARS 13.

1. Saat chanda? Saat chwar u nima.
2. Dars-it labar kirduwa? Dars-im labar na kirduwa.
3. Inglizi akhwen-im wa wurda wurd-  
fer dabim.
4. Hama arabayek-i haya wa du  
baran la nawi-da danishtuwa.
5. Choni? Chaki, shkur.
6. Chaw-im ba hasht kur kawt.
7. Mirishk dan akhwat wa jugalakani  
bakhew daka.
8. Faraj cholaka-yek-i bo Majid girt.



**DARS 14.**

1. Be mindali shte ferba ka la  
gawraida kalkit bigre.

2. Ishi imro, makhara subhaine.

2. Qsai chak awaya ka droi te-da  
nakre.

Chaka lagal khalq-da bika waku  
khwat pet khosha chak-it lagal  
bikan.

3. Tawfiq sag-ek-i haya. Am sag-a-i  
zor khoshawe.



6. Bayanian ka halaste la khav  
 gurj ache bo lai sag-aka-i, lagal  
 khwa-i daiba bo maktab wa  
 tur-aka-i<sup>KAT</sup> akhata mil-i-awa.

7. Ka agata maktab tur-akaka-i  
 la mil-i da dag re. Aw hala  
 sag-aka hara daka bo mal-awa.